



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Effect of Mistake as to the Subject Matter of the Contract in the French, English and Iranian Legal Systems

Ahmad Esfandiari ^{1*}, Kobra Haji-Moradkhani ²

Received: 23 Aug 2026
Revised: 07 Oct 2026
Accepted: 25 Oct 2026
Available Online: 22 Dec 2026

Keywords:
Mutual Mistake, Unilateral Mistake, Essence of the Contract, Essential Description, Secondary Mutual Mistake, Unilateral Mistake, Essence of the Contract, Essential Attribute, Secondary Description.

Abstract

Mistakes in the subject of contracts are considered one of the fundamental challenges of contract law, which have been faced with different approaches in French, English and Iranian legal systems. This research, using a descriptive-analytical and comparative method, examines the concept, requirements and legal effects of this type of mistake in the three aforementioned systems. With the 2016 reforms, French law has presented a flexible and will-based approach by eliminating the theory of "cause" and replacing it with the criterion of "essential characteristics" and the condition of "non-negligence". English law has also prioritized the security of transactions by dividing mistakes into common, bilateral and unilateral types and applying the strict criterion of "fundamentality of the mistake". In Iranian law, despite the richness of jurisprudence and the existence of rules such as "contracts are dependent on the minds", Article 200 of Iranian Civil Code merely refers to the creation of an option to rescind the contract but does not explicitly address cases of mistake regarding the essence of the subject matter-a gap that can be bridged through judicial precedent and the opinions of jurists. Findings indicate that, to resolve existing ambiguities and align with modern developments, Iranian law requires the enactment of clearer regulations defining the "essence" and "essential attributes" of the subject matter, as well as distinguishing between different types of mistake.

1* Assistant Professor, Department of Private Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. (Corresponding Author) Email: Ahmadesfandiari@iausari.ac.ir
2 PhD Student in Private Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

Please Cite This Article As: Esfandiari, A & Haji-Moradkhani, K (2026). "The Effect of Mistake as to the Subject Matter of the Contract in the French, English and Iranian Legal Systems". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(5): 1-11.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱۱-۱)

اثر اشتباه در خود موضوع عقد در سه نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران

احمد اسفندیاری* کبرا حاجی‌مرادخانی^۲

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسؤول) ایمیل: Email: Ahmadesfandiari@iausari.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۷/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

چکیده

اشتباه در موضوع عقد، از چالش‌های بنیادین حقوق قراردادهای محسوب است که در نظام‌های حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران با رویکردهای متفاوتی مواجه شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، به بررسی مفهوم، شرایط و آثار حقوقی این نوع اشتباه در سه نظام یادشده می‌پردازد. حقوق فرانسه با اصلاحات سال ۲۰۱۶، با حذف نظریه «علت» و جایگزینی معیار «اوصاف اساسی» و شرط «قابل اغماض نبودن»، رویکردی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر اراده ارائه داده است. حقوق انگلیس نیز با تفکیک اشتباه به انواع مشترک، دوطرفه و یک‌طرفه و اعمال معیار سختگیرانه «اساسی بودن اشتباه»، امنیت معاملات را در اولویت قرار داده است. در حقوق ایران، به رغم غنای فقهی و وجود قواعدی چون «العقود تابعه للقصود»، ماده ۲۰۰ قانون مدنی ایران، صرفاً به ایجاد خیار فسخ اشاره کرده و موارد اشتباه در ذات موضوع را به‌طور صریح تعیین تکلیف ننموده است؛ امری که به کمک رویه قضایی و آراء فقها قابل جبران است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق ایران برای رفع ابهامات موجود و هماهنگی با تحولات نوین، نیازمند تدوین مقررات شفاف‌تر در زمینه تعریف ذات، اوصاف اساسی و تفکیک انواع اشتباه است.

کلمات کلیدی: اشتباه مشترک، اشتباه یک‌طرفه، ذات عقد، وصف اساسی، وصف فرعی.

مقدمه

اشتباه، پندار نادرستی است که شخص از واقعیت پیدا می‌نماید (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱/۲۳۴) و یکی از مهم‌ترین عوامل خدشه‌دار کننده قصد طرفین عقد، همواره در قانون توجه نظام‌های حقوقی قرار داشته است. نقطه‌ی شروع هرگونه بررسی نظریه‌ی اشتباه قراردادی، حقوق کلاسیک روم است. در میان گونه‌های مختلف اشتباه، آنچه به «خود موضوع عقد» بازمی‌گردد، به دلیل تأثیر مستقیم بر هویت و ماهیت مورد معامله، جایگاهی ممتاز و حساس دارد (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). پرسش بنیادین این است که اگر یکی از طرفین یا هر دو در مورد خود موضوع عقد دچار اشتباه شوند، آیا عقد به طور کامل از اعتبار ساقط می‌شود، صرفاً قابل فسخ است، یا بسته به شرایط و نوع اشتباه، آثار متفاوتی بر آن بار می‌شود؟ اهمیت این مسأله، زمانی آشکار می‌شود که در بسیاری از قراردادهای روزمره، از خرید و فروش اموال تا انعقاد عقود پیچیده تجاری، احتمال بروز چنین اشتباهی همواره وجود دارد. به عنوان مثال، شخصی گمان می‌کند در حال خرید تابلو نقاشی از یک نقاش مشهور است، درحالی‌که تابلو، متعلق به هنرمند دیگری است. آیا چنین اشتباهی، صرفاً نقضی در اراده است یا اینکه موضوع عقد به کلی تغییر یافته است؟ در پاسخ به این پرسش، سه نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران، هر کدام با تکیه بر مبانی و اهداف متفاوت، راهکارهای خاص خود را توسعه داده‌اند.

این تحقیق در پی پاسخ به ای پرسش‌ها می‌باشد: مفهوم و قلمرو «اشتباه در خود موضوع عقد» در سه نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟ آثار حقوقی مترتب بر این نوع اشتباه از حیث بطلان، قابلیت فسخ یا عدم تأثیر در هر یک از نظام‌های یادشده کدام است و مبنای هر یک از این احکام چیست؟ و با توجه به یافته‌های تطبیقی، کدام رویکرد می‌تواند برای اصلاح و تکمیل نظام حقوقی ایران در زمینه اشتباه در موضوع عقد مناسب‌تر باشد؟ در پرتو این پرسش‌ها، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل تطبیقی آثار حقوقی ناشی از اشتباه در خود موضوع عقد در سه نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران است. اهداف فرعی نیز شامل تبیین دقیق مبانی فقهی، حقوقی و رویه قضایی حاکم بر این نهاد در هر یک از نظام‌های مذکور و سرانجام، ارائه پیشنهادهایی اجرایی برای تدوین مقررات شفاف‌تر در حقوق ایران می‌گردد. این پژوهش به دنبال آن است تا ضمن رفع ابهامات نظری، راهکار

عملی برای حل اختلافات ناظر بر اشتباه در موضوع عقد در نظام حقوقی ایران ارائه دهد. همچنین، با نگاهی به تحولات اخیر حقوق فرانسه و رویه غنی کامن‌لا در انگلیس، بستری برای اصلاح قانون مدنی ایران در موادی مرتبط با عقود معیوب فراهم آورد. اهمیت این پژوهش در آن است که در نظام اقتصادی و قراردادی ایران، که حجم بالایی از معاملات در آن انجام می‌گیرد، ابهام در آثار اشتباهات قراردادی، موجب بروز دعاوی متعدد و سلب اعتماد از فضای کسب‌وکار می‌گردد. از این رو، واکاوی دقیق مفهوم، انواع و آثار اشتباه در خود موضوع عقد در سه نظام حقوقی مورد نظر، می‌تواند چشم‌انداز روشنی برای قانون‌گذار، قضات و حقوقدانان ایرانی ترسیم نماید.

قصد انشاء رکن اساسی هر توافقی به شمار می‌رود و در تمامی نظام‌های حقوقی، عقد به عنوان محصول توافق اراده‌ها شناخته می‌شود. هر عاملی که به این اراده آسیب بزند، در اعتبار قرارداد خدشه ایجاد می‌کند. اشتباه یکی از اساسی‌ترین این عوامل است. در نظریه عمومی قراردادهای، میان «اراده باطنی» و «اراده ظاهری» تفاوت قائل می‌شوند. عقد صحیح، زمانی تحقق می‌یابد که میان این دو، تطابق کامل یا حداقل قابل قبولی وجود داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱/۲۲۹). اشتباه در موضوع عقد، دقیقاً به وضعیتی اطلاق می‌شود که شخص به هنگام انعقاد قرارداد، تصویری نادرست از هویت، جنس، مقدار یا اوصاف اساسی موضوع معامله دارد (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۹۲).

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. این تحقیق با بررسی متون قانونی، دیدگاه‌های فقهی، آراء قضایی و نظریات حقوقدانان در سه نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران، به تحلیل اثر اشتباه در خود موضوع عقد می‌پردازد. در مورد اثر اشتباه در خود موضوع عقد در نظام حقوقی فرانسه و ایران اگرچه تحقیق مستقلی به صورت کتاب انجام نشده است، در کتاب‌هایی که منبع اصلی مطالعه حقوق مدنی ایران به شمار می‌روند، به این موضوع پرداخته شده است. چنانکه کاتوزیان (۱۳۶۴) در کتابی با عنوان «قواعد عمومی قراردادهای»، با تقسیم اشتباه در خود موضوع عقد به اشتباه موضوعی و اشتباه شخصی، دیدگاه‌های مطرح‌شده در هر مورد را بررسی نمودند. چنانکه مطابق مکتب موضوعی، وصف اصلی یا ذاتی موضوع معامله بدون توجه به انگیزه‌ها و مقصود دو طرف قرارداد مشخص می‌شود. مطابق این دیدگاه، جنس مادی مالی که موضوع عقد را تشکیل می‌دهد، وصف اصلی یا

ذاتی (خود موضوع عقد) آن است و اشتباه در صورتی عقد را باطل می‌سازد که مربوط به این ماده باشد، هرچند در نظر طرفین عقد، امر دیگری، انگیزه و باعث اصلی انجام معامله باشد.

برای مثال شخصی شمعدانی مطلا را بدین گمان که جنس آن از طلا هست، خریداری می‌نماید. در این فرض، اگر مقصود اصلی خریدار، عتیقه بودن یا نقش هنرمندی خاص در ساخت آن باشد، اشتباه در جنس شمعدان رخ داده است. با این حال، مطابق مکتب شخصی، مطابق این دیدگاه، انگیزه اصلی دو طرف معامله، خود موضوع عقد را تشکیل می‌دهد نه جنس مادی آن. برای مثال، برای خریداری که از مغازه عتیقه‌فروشی، گلدان گلین و کهنه‌ای را به چند برابر گلدان‌های نو خریداری می‌نماید، عتیقه بودن، انگیزه اصلی است. افزون بر این، صفایی (۱۳۴۹) در مقاله‌ای با عنوان «اشتباه در خود موضوع معامله در حقوق ایران و فرانسه»، علاوه بر دو نظریه نوعی و نظریه شخصی، نظریه سومی را با عنوان نظریه مختلط، در مورد مفهوم واژه خود موضوع (Substance) طرح نموده است که به موجب آن، سرنوشت قرارداد، تابع فکر شخصی یکی از متعاملین نیست بلکه معیار اشتباه، فکر عمومی و عرف و عادت است. پاره‌ای اوصاف در موضوع معامله از نظر عرف، اساسی است و اشتباه در این اوصاف است که موجب بطلان معامله می‌گردد. چنانکه ابری و رو، حقوقدانان فرانسوی با قبول این راه‌حل، کلمه خود موضوع را نه فقط عناصر مادی بلکه شامل خصوصیات دانستند که اجتماع آنها طبیعت خاص موضوع را در نظر عرف تشکیل می‌دهد و آن را برحسب مفاهیم عمومی از اشیائی که از نوع دیگر هستند، جدا می‌سازد مقصود این است که اگر اشتباه در وصفی روی دهد که عرفاً اساسی است و عموماً معامله‌کننده را به انجام معامله وادار می‌دارد، این اشتباه، موجب بطلان نسبی است.

علاوه بر این، Macmilan (۲۰۱۰) در کتابی با عنوان "Mistakes in Contract Law" نوشت: درحالی‌که حقوق‌دانان کشورهای تابع نظام حقوق رومی، دغدغه‌ی تأثیر «اشتباه» بر انعقاد قرارداد را داشتند، حقوق‌دانان انگلیسی توجه بسیار کمتری به این موضوع نشان می‌دادند. در دادگاه‌های کامن‌لا، «اشتباه» تا اواسط قرن نوزدهم به‌خودی‌خود، مورد توجه و واجد آثار حقوقی نبود. اگرچه دادگاه‌های کامن‌لا برای اشتباه آثار حقوقی قائل نمی‌شدند، دادگاه‌های انصاف - که با هدف

تکمیل کامن‌لا و نه تقابل با آن عمل می‌کردند - برای اشتباه آثار حقوقی در نظر می‌گرفتند. پذیرش جبران انصافی (Equitable Relief) در موارد بروز اشتباه، مبتنی بر فقدان قصد در زمان انعقاد قرارداد نبود. نظام انصاف، اشتباه را عاملی می‌دانست که همانند تقلب، حادثه یا غافلگیری می‌توانست وجدان فرد را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، غیر منصفانه بود که دادگاه انصاف اجازه دهد توافقی که بر پایه اشتباه شکل گرفته است، پابرجا بماند یا اجرا شود. به رسمیت شناختن اشتباه در نظام انصاف، تا حدی واکنشی به قواعد کامن‌لا در خصوص ادله شفاهی (Parol Evidence) بود؛ همچنین این امر پیوندی ذاتی با ماهیت خود پذیرش جبران انصافی داشت. دادگاه‌های انصاف بر اساس واقعیات هر پرونده خاص و با در نظر گرفتن سوابق پیشین اعمال صلاحیت قضایی، تصمیم می‌گرفتند که آیا از اختیار پذیرش جبران استفاده کنند یا خیر.

۱- بحث و نظر

۱-۱- اشتباه در خود موضوع عقد در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، تا پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۶، اشتباه در موضوع عقد به‌طور سنتی تحت عنوان «علت (سبب) اشتباه» مورد بررسی قرار می‌گرفت. ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی قدیم فرانسه مصوب ۱۸۰۴ مقرر می‌نمود: «اشتباه هنگامی موجب بطلان (نسبی) قرارداد است که مربوط به خود موضوع معامله باشد...». ماده مذکور، اشتباه را زمانی، موجب بطلان می‌دانست که به «ذات» موضوع معامله یا به «شخص» طرف قرارداد در عقود مبتنی بر شخصیت بازمی‌گشت. از آنجاکه مفهوم «علت» مبهم و دشوار بود، این نظریه انتقادات زیادی را موجب گردید. زیرا مفهوم «ذات» موضوع «در رویه قضایی فرانسه بسیار مناقشه‌برانگیز بود و این سؤال را برانگیخت که آیا ذات یعنی ماهیت فیزیکی یا صفات کیفی که ارزش اقتصادی یا کارکردی شیء را تعیین می‌کند؟

دیوان تمیز فرانسه در طول زمان تفسیر موسعی از ذات ارائه داد. سرانجام در سال ۲۰۱۶، قانون‌گذار فرانسوی دست به اصلاح بنیادین قانون مدنی خود زد. با تصویب «دستور اصلاحی شماره ۱۳۱-۲۰۱۶» در ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ و سپس قانون تأییدی ۲۰۱۸، کل کتاب سوم قانون مدنی (مربوط به قراردادهای بازنویسی شد و رویکرد از «نظریه علت» به «نظریه رضا» تغییر یافت. به این ترتیب، در حقوق فرانسه، مفهوم اشتباه در خود موضوع عقد و

^۱- L'erreur n'est une cause de nullité de la convention que lorsqu' elle tombe sur la substance même de la chose qui en est l'objet...

باشد. اما مشکل آنجا بود که مفهوم «سبب» خود یکی از مبهم‌ترین مفاهیم حقوق قراردادها بود.

۱-۴- اشتباه در اراده حقیقی

سرانجام در سال ۲۰۱۶، قانون‌گذار فرانسوی دست به اصلاح بنیادین قانون مدنی خود زد. با تصویب «دستور اصلاحی شماره ۱۳۱-۲۰۱۶» در ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ و سپس قانون تأییدی ۲۰۱۸، کل کتاب سوم قانون مدنی (مربوط به قراردادها) بازنویسی شد و رویکرد از «نظریه علت» به «نظریه رضا» تغییر یافت. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی جدید فرانسه، اشتباه را زمانی موجب بطلان می‌داند که به عدم تطابق اراده با اراده حقیقی طرف دیگر منجر شود و این اشتباه «قابل چشم‌پوشی» نباشد. در این نظام جدید، اشتباه در موضوع عقد دیگر به‌عنوان دسته‌ای مستقل و مجزا مطرح نیست، بلکه در چارچوب کلی اراده معیوب و با معیار «موجب بودن» برای طرف مقابل ارزیابی می‌شود. این تحول، نظام حقوقی فرانسه را به نظام‌های مبتنی بر حمایت از اعتماد نزدیک‌تر کرده است (Terré et al., 2018: 567).

در نظام جدید، مفهوم «سبب» به‌طور کامل حذف و با مفهوم «قصد» جایگزین گردید. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی جدید فرانسه مقرر می‌دارد که اشتباه، تدلیس و اکراه، قصد انشای طرفین را معیوب می‌سازند هرگاه به‌گونه‌ای باشند که بدون آنها یکی از طرفین، اساساً عقد را منعقد نمی‌کرد یا با شرایط ماهیتاً متفاوتی منعقد می‌کرد. همچنین ماده ۱۱۳۲ تصریح می‌کند که اشتباه در حکم یا موضوع، مادام که غیرقابل اغماض نباشد و به اوصاف اساسی موضوع تعهد یا طرف قرارداد مربوط باشد، علت بطلان عقد است. این تحول سه ویژگی مهم دارد. نخست اینکه، واژه «ذات» با عبارت «اوصاف اساسی» جایگزین شده است که اختیار بیشتری به قاضی می‌دهد. دوم اینکه، معیار ارزیابی از عینی به ذهنی تغییر کرده است به گونه‌ای که اکنون پرسش اصلی این است که «آیا این اشتباه به‌گونه‌ای است که رضای شخص را از بین می‌برد؟» نه آنکه «آیا این اشتباه به ذات مربوط می‌شود؟». سوم اینکه، شرط «قابل اغماض نبودن» قابلیت استناد به اشتباه را محدود می‌کند و از سوء استفاده جلوگیری می‌نماید.

در عمل، این اصلاحات به چه معناست؟ فرض کنید شخصی دستگاه کپی کارکرده‌ای را به قیمت دست دوم خریداری می‌کند و بعداً متوجه می‌شود که آن دستگاه قبلاً تعمیر اساسی شده و عمر مفید بسیار کمی دارد. در حقوق قدیم فرانسه، بحث می‌شد

آثار آن، راه پرفراز و نشیبی را طی نموده و با توجه مفاهیم به اشتباه در علت عقد، اشتباه در وصف اساسی و اشتباه در اراده حقیقی، قابل هضم و درک است:

۱-۲- اشتباه در علت عقد

نظام حقوقی فرانسه در طول دو قرن اخیر تحول شگرفی را در خصوص اشتباه در موضوع عقد تجربه کرده است. پیش از اصلاحات سال ۲۰۱۶، قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) در مواد ۱۱۰۹ تا ۱۱۱۷ به موضوع اراده معیوب و به‌طور خاص اشتباه می‌پرداخت. ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی قدیم فرانسه مقرر می‌داشت که اشتباه در صورتی سبب بطلان عقد است که به «ذات موضوع» یا به «شخص طرف قرارداد» در عقود که شخصیت در آنها شرط اساسی است، مربوط شود.

۱-۳- اشتباه در وصف اساسی

به‌دلیل مبهم و دشوار بودن مفهوم «علت» و مناقشه برانگیز بودن مفهوم «ذات موضوع» در رویه قضایی فرانسه، این نظریه انتقادات زیادی را موجب گردید و این سؤال را مطرح نمود که آیا ذات یعنی ماهیت فیزیکی یا صفات کیفی که ارزش اقتصادی یا کارکردی شیء را تعیین می‌کند؟ دیوان تمیز فرانسه در طول زمان تفسیر موسعی از ذات ارائه داد. چنانکه در پرونده مشهور «ویسکونت دو پان» در سال ۱۸۷۷، دادگاه حکم داد که اگر شخصی به گمان اینکه نقاشی متعلق به رافائل، استاد نقاش مشهور است، آن را خریداری نماید درحالی‌که متعلق به نقاشی گمنام باشد، این اشتباه در ذات موضوع است، زیرا تعلق داشتن به رافائل «وصف جوهری» آن نقاشی به‌شمار می‌آید که ارزش آن را تعیین می‌کند.

این رویکرد که به «نظریه وصف جوهری» معروف شد، عملاً مرز میان ذات و وصف را از میان برداشت و اشتباه در هر صفتی را که به‌نحوی «علت» اصلی انعقاد عقد بود، موجب بطلان تلقی کرد. با این حال، این رویکرد مبتنی بر تفسیر موسع، به‌دلیل اینکه امنیت معاملات را تهدید می‌نمود، انتقادات شدیدی را برانگیخت زیرا خریدار می‌تواند بعد از منعقد شدن قرارداد و پشیمانی از معامله، با ادعای اشتباه در کیفیت جوهری، قرارداد را به چالش بکشد (Terré et al., 2018: 575). به همین دلیل، دادگاه‌های فرانسه، شرط دیگری نیز افزودند: اشتباه باید «قابل اغماض» نباشد و همچنین باید مستقیماً به «سبب اصلی» عقد مربوط

جهت که امنیت معاملات را در اولویت قرار می‌دهد، در برخی موارد می‌تواند با عدالت انصافی در تضاد باشد (Chitty, 2021: 5408).

مقررات کامن‌لا در نظام حقوقی انگلیس به دلیل ماهیت تجربی و پرونده‌محوری خود، کمتر به مبانی انتزاعی و فلسفی می‌پردازد و بیشتر به آثار عملی و حفظ امنیت معاملات توجه دارد (Treitel, 2020: 315). قاعده کلی در کامن‌لا - که بخش اصلی و سنتی حقوق آن کشور محسوب می‌شود - این است که اشتباه اعتبار قرارداد را مخدوش نمی‌سازد. در این نظام، قاعده کلی بر این است که اشتباه در موضوع عقد، به‌خودی‌خود و صرفاً به‌دلیل وقوع اشتباه، موجب بطلان قرارداد نمی‌شود. برعکس، این نظام حقوقی به دنبال حفظ قراردادهای می‌باشد و تنها در موارد نادر و با شرایط بسیار دشوار، بطلان ناشی از اشتباه را می‌پذیرد. با این حال، برخی اشتباهات وجود دارد که بر قرارداد مؤثر واقع می‌شود و در مواردی، آن را واقعاً به گونه‌ای تضعیف می‌نماید که دیگر نمی‌توان گفت قصد حقیقی وجود دارد. چنین اشتباهی، اشتباه مؤثر نامیده می‌شود و اثر آن، این است که قرارداد را قابل ابطال (Void) می‌سازد. البته، اشتباه باید امری موضوعی باشد و نه حکمی. عبارت جهل به قانون، عذر محسوب نمی‌شود (Ignorance of the Law is not an Excuse) در این مورد کاربرد دارد. اشتباه در مورد حق خصوصی یا قانون خارجی، اشتباه موضوعی به‌شمار می‌رود و نه اشتباه حکمی (Padfield & Barker, 1989: 147). اشتباه در حقوق انگلیس را می‌توان به لحاظ موضوعی و شخصی تقسیم نمود:

۲-۱- اشتباه به لحاظ موضوعی

اشتباه در حقوق انگلیس به لحاظ موضوع به اقسامی دسته‌بندی شده است که مهم‌ترین آنها به قرار زیر می‌باشد:

۱-۲- اشتباه در مورد هویت موضوع عقد

هرگاه دو شخص قصد انعقاد قرارداد را داشته باشند و یک طرف بخواهد در مورد چیزی قرارداد منعقد سازد و طرف مقابل بخواهد در مورد چیز دیگری قرارداد منعقد سازد، در اینجا چون توافقی وجود ندارد، قراردادی نیز منعقد نمی‌گردد چنانکه یک طرف پنبه موجود در کشتی "الف" و دیگری پنبه موجود در کشتی "ب" را مد نظر داشته باشد.

که آیا «تعمیر اساسی»، وصف جوهری است یا نه. در حقوق جدید، قاضی به‌سادگی می‌پرسد: آیا اگر خریدار می‌دانست که دستگاه تعمیر اساسی شده، اصلاً آن را نمی‌خرید؟ اگر پاسخ مثبت باشد و اشتباه قابل اغماض هم نباشد، آنگاه بطلان عقد ممکن است. نکته ظریف دیگر آنکه اگر طرف دیگر با حسن نیت عمل کرده باشد و قرارداد باطل شود، او حق مطالبه خسارت از طرف اشتباه‌کننده را دارد. این ماده تعادلی میان حمایت از اراده اشتباه‌کننده و حمایت از اعتماد طرف مقابل ایجاد می‌کند (Terré et al., 2018: 580). از سوی دیگر، حقوق فرانسه نیز مانند حقوق ایران و انگلیس، میان اشتباه در وجود موضوع و اشتباه در اوصاف موضوع تفاوت قائل است. در مورد اشتباه در وجود موضوع، اگر موضوع عقد در زمان انعقاد وجود نداشته یا از بین رفته باشد، قانون مدنی فرانسه حکم به بطلان مطلق عقد می‌دهد، زیرا «وجود موضوع» از شروط اساسی صحت عقد است. رویه قضایی فرانسه پس از اصلاحات ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که دادگاه‌ها تمایل دارند تا بطلان ناشی از اشتباه را محدودتر از گذشته اعمال کنند و این رویکرد، نظام حقوقی فرانسه را به سمت حمایت از اعتماد و امنیت معاملات سوق داده است.

۲- اشتباه در خود موضوع عقد در حقوق انگلیس

پس از سال ۱۰۶۶ میلادی - که در تاریخ این کشور به لحاظ سیاسی و اجتماعی سالی تعیین‌کننده و نقطه‌ای عطفی مهم، محسوب می‌شود، مقررات حاکم بر روابط مدنی و تجاری میان اشخاص از چهار منبع کامن‌لا، حقوق موضوعه، انصاف و حقوق بازرگان، الهام گرفته و به فراخور زمان، دستخوش تحولاتی شده است. در مورد اشتباه (Mistake) در خود موضوع عقد، قواعد کامن‌لا از یک‌سو و قواعد انصاف از سوی دیگر، مقرراتی پیش‌بینی نمودند:

حقوق انگلیس به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین نظام‌های حقوقی تابع کامن‌لا، رویکردی کاملاً متفاوت از دو نظام نوشته فرانسه و ایران دارد. در حقوق انگلیس، قواعد مربوط به اشتباه با پیچیدگی و ظرافت خاصی تدوین شده است. در حقوق این کشور، بطلان ناشی از اشتباه، امری استثنایی است و دادگاه‌ها تمایل دارند تا حد امکان با توسل به قواعد دیگر، مانند اظهارات خلاف واقع یا نهاد «سند برخلاف واقع» (Non est factum)، قرارداد را حفظ کنند (Cartwright, 2018: 89). این نگاه عمل‌گرایانه، از آن

1- Cooper v. Phibbs, 1867.

2- Raffles v. Whichthaus, 1864.

دستور اجرای معین (Specific Performance) قرارداد را صادر نماید (Padfield & Barker, 1989: 148; EftekharJahromi, 1993: 27; Barker, 1989: 153).

۲-۲- اشتباه به لحاظ شخصی

حقوق انگلیس، اشتباه را به لحاظ شخصی به سه دسته اشتباه یک طرفه (Unilateral Mistake)، اشتباه دوطرفه (Mutual Mistake) و اشتباه مشترک (Common Mistake) تقسیم می‌کند: در هر یک از این موارد، آثار اشتباه متفاوت است. به این ترتیب، از حیث تفکیک انواع اشتباه، نظام حقوقی انگلیس از حقوق فرانسه و ایران - که در آنها چنین تفکیک صریحی وجود ندارد و عملاً قواعد اشتباه در هم آمیخته شده است - دقیق‌تر عمل می‌کند (McKendrick, 2022: 435).

۲-۲-۱- اشتباه یک طرفه

پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین نوع اشتباه در حقوق انگلیس، اشتباه یک طرفه است. در این نوع، یک طرف در مورد موضوع عقد (یا هویت طرف مقابل) دچار اشتباه بوده و طرف دیگر از این اشتباه آگاه می‌باشد. قاعده کلی در کامن‌لا این است که اشتباه یک طرفه به تنهایی قرارداد را باطل نمی‌کند (Treitel, 2020: 325). با این حال، استثنائاتی وجود دارد: نخست اینکه، اگر اشتباه در هویت طرف قرارداد به قدری بنیادین باشد که شخص قصد انعقاد قرارداد با شخص خاصی را داشته است و طرف دیگر با آگاهی از این موضوع خود را به جای آن شخص جا می‌زند، قرارداد باطل است. دوم اینکه، مطابق قواعد انصاف ممکن است به خواهان اجازه داده شود که قرارداد را فسخ کند، اما این فسخ اگر به حقوق شخص ثالث با حسن نیت لطمه بزند، امکان‌پذیر نیست. در مواردی که یک طرف قرارداد از اشتباه طرف دیگر آگاه است و از آن سوء استفاده می‌نماید، ممکن است، موجب بی‌عدالتی آشکاری شود.

معروف‌ترین پرونده در موضوع اشتباه یک طرفه، دعوی «لوپس علیه ایوری» در سال ۱۹۷۲ می‌باشد. در این پرونده، شخصی خود را به جای بازیگر مشهور معرفی کرد و اتومبیل شاکی را خرید. بعداً آن اتومبیل به شخص ثالثی فروخته شد. خواهان،

۲-۱-۲- اشتباه در مورد وجود موضوع

هرگاه هر دو طرف قرارداد به تصور اشتباه وجود چیزی، قرارداد منعقد سازند اما آن چیز وجود نداشته باشد، اشتباه اساسی رخ داده است که قرارداد را قابل ابطال (Void) می‌سازد. چنانچه موضوع قرارداد پیش از انعقاد قرارداد از میان رفته باشد. در چنین موقعیتی حقوق وضعیتی را فرض می‌گیرد که موضوع توافق وجود داشته است. چنانکه قرارداد فروش گندمی که در دریا در حال حمل است، انجام شود اما بعداً معلوم شود که به دلیل حادثه دریایی، گندم پیش از انعقاد قرارداد فروخته شده بود (Padfield & Barker, 1989: 148).

۲-۱-۳- اشتباه در اوصاف موضوع

قاعده کلی این است که اشتباه در مورد اوصاف موضوع قرارداد، آن را بی‌اعتبار نمی‌سازد. چنانکه دو طرف، نقاشی موضوع قرارداد را عتیقه‌ای گران‌بها تصور کنند اما در واقع، تقلیدی کم ارزش درآید، قرارداد معتبر می‌باشد. اشتباه در هویت موضوع قرارداد، اتفاق نیفتاده است بلکه اشتباه، صرفاً در اوصاف موضوع قرارداد، رخ داده و خریدار باید قاعده (Caveat Emptor) مواظب می‌بود. با این حال، انصاف در شرایط خاصی جبرانی فراهم می‌سازد و قرارداد ممکن است به دلایل انصاف و عدالت کنار گذاشته شود (EftekharJahromi, 1993: 27; Padfield & Barker, 1989: 148).

به رغم دیدگاه کامن‌لا در مورد اثر اشتباه در مورد موضوع عقد هرگاه بخشی از قرارداد که باطل یا معتبر باشد، نتایج نامتناسب و غیر منصفانه (Inappropriate and Unfairness) به دنبال داشته باشد و در مواردی که به کارگیری قواعد خشک کامن‌لا دشواری ایجاد نماید، اصول انصافی ممکن است برای اجرای عدالت مداخله نماید و بر اساس انصاف و عدالت، قرارداد را کنار بگذارد، ممکن است سند مکتوب را چنانکه توافق حقیقی طرفین را بیان ننماید، اصلاح نماید و هرگاه متناسب باشد، ممکن است

1- Cundy v. Lindsay 1878.

2- Courtier v. Hastie, 1852.

3- Bell v. Lever

4- Solle v. Bucher, 1923.

5- Craddock Bros v. Hunt, 1923.

6- Webster v. Cecil, 1861.

7- Lewis v. Averay, 1372.

دادگاه‌های انگلیس، قاعده «رضای متقابل» را به کار می‌برند و چنین قراردادی را باطل می‌دانند، زیرا اساساً توافقی در کار نبوده است. پرونده «رافلز علیه ویچلهاوس» نمونه کلاسیک است: در آن پرونده، قرارداد خرید و فروش پنبه با کشتی «پیل» منعقد شد، اما معلوم گردید دو کشتی با نام «پیل» وجود دارد که یکی در اکتبر و دیگری در دسامبر به مقصد می‌رسد. خریدار یکی را تصور می‌کرد و فروشنده، کشتی دیگر را (Raffles v. Wichelhaus, 1864)؛ دادگاه، قرارداد را باطل اعلام نمود (Padfield & Barker, 1989: 148).

در مجموع، می‌توان گفت نظام حقوقی انگلیس با تفکیک دقیق انواع اشتباه، آراء قضایی غنی و تأکید بر معیار «اساسی بودن» اشتباه و همچنین حمایت از حقوق اشخاص ثالث دارای حسن نیت، سخت‌گیرانه‌ترین نظام در میان سه کشور مورد مطالعه است. در این نظام، اثبات بطلان قرارداد به دلیل اشتباه در موضوع عقد بسیار دشوار است و تمایل دادگاه‌ها بر حفظ قراردادها و ارجاع دعاوی به نهادهای جبران خسارت یا فسخ مطابق قواعد انصافی است (Treitel, 2020: 330). تفاوت اصلی میان حقوق انگلیس و دو نظام دیگر در این است که حقوق انگلیس، برخلاف ایران و فرانسه، بطلان را به عنوان ضمانت اجرای استثنایی در نظر می‌گیرد و تا حد امکان از بطلان قراردادهای جلوگیری می‌کند، مگر در مواردی که اشتباه، توافق حقیقی را به کلی نابود کرده باشد (McKendrick, 2022: 450).

۲-۳-۲- اشتباه مشترک

در اشتباه مشترک، هر دو طرف قرارداد در خصوص واقعیتهایی اساسی که به موضوع عقد مربوط می‌شود، به طور یکسان دچار اشتباه شدند (McKendrick, 2022: 435). معروف‌ترین پرونده در این حوزه، پرونده «بل و لور» است که در مجلس اعیان بریتانیا مورد رسیدگی قرار گرفت. در این پرونده، شرکت لور با یکی از مدیران اجرایی خود به نام بل قرارداد فسخ با پرداخت مبلغ هنگفتی منعقد کرد. بعداً مشخص شد که بل قبلاً تخلفات شدیدی مرتکب شده بود که به موجب آنها شرکت می‌توانست بدون هیچ غرامتی او را اخراج کند. شرکت لور ادعا کرد که در زمان انعقاد قرارداد فسخ، اشتباه کرده است زیرا گمان می‌نمود که تعهدی به پرداخت غرامت دارد. لرد آتکین در رأی معروف خود اظهار داشت که برای بطلان قرارداد به دلیل اشتباه مشترک،

ادعای اشتباه در هویت کرد. دادگاه حکم داد که چون خواهان، با شخص (فیزیکی) مقابل خود ملاقات کرده و قرارداد را منعقد ساخت، اشتباه در هویت به اندازه کافی اساسی نیست و حقوق شخص ثالث با حسن نیت مقدم است مطابق رأی صادر شده در این پرونده، در اشتباه یک‌طرفه، چنانچه طرف دیگر به صورت فریبکارانه سکوت نکرده باشد، قرارداد باطل نمی‌گردد. به این ترتیب، در اشتباه یک‌طرفه - که تنها یک طرف قرارداد دچار اشتباه در موضوع عقد می‌شود و طرف دیگر از این اشتباه آگاه است - دادگاه‌های انگلیس با احتیاط بیشتری برخورد می‌کنند و قاعده کلی این است که اشتباه یک‌طرفه، قرارداد را باطل نمی‌کند، مگر اینکه طرف دیگر، فریبکارانه سکوت کرده باشد یا اشتباه به قدری در هویت موضوع یا طرف قرارداد اساسی باشد که توافقی حقیقی شکل نگرفته باشد (Cartwright, 2018: 95). اشتباه یک طرف به تنهایی چالش‌های خاصی را ایجاد کرد. از یک سو، به نظر می‌رسید که سازگاری نظری ایجاب می‌کند که چنین اشتباهی بتواند مانع توافق طرفین شود؛ پوئیر احتمالاً پذیرفته بود که ک اشتباه یک‌جانبه برای اجتناب از قرارداد کافی است. ۱۵۹ از سوی دیگر، ملاحظات عملی علیه پذیرش اکثر اشتباهات یک‌جانبه عمل می‌کنند. این ملاحظات شامل "نیاز به قطعیت تجاری و حمایت از اعتماد متعارف طرف غیراشتباه" است (Macmillan, 2010: 207).

نتیجه آنکه قرارداد میان کلاه‌بردار و خواهان پرونده فوق باطل نیست بلکه صرفاً قابل فسخ است و چون شخص ثالث با حسن نیت خرید کرده، مالکیت به او منتقل شده است (Cartwright, 2018: 110). این رأی نشان می‌دهد که حقوق انگلیس، برخلاف حقوق ایران و حتی فرانسه، حمایت از امنیت معاملات و حقوق اشخاص ثالث را بر حمایت از اراده اشتباه‌کننده در موارد اشتباه یک‌طرفه ترجیح می‌دهد (Zweigert & Kötz, 2011: 485).

۲-۳-۲- اشتباه دوطرفه

اشتباه دوطرفه در حقوق انگلیس، وضعیتی است که هر یک از طرفین درک متفاوتی از موضوع عقد دارند و هیچ‌یک از درک طرف دیگر، آگاه نیست. برای مثال، شخصی فکر می‌کند که در حال خرید خودروی مدل "الف" است، درحالی‌که فروشنده فکر می‌کند دارد خودروی مدل "ب" را می‌فروشد. در این حالت،

1- Raffles v. Wichelhaus, 1864

2- Bell v. Lever Bros Ltd, 1932

۳-۱- اشتباه در ذات

در این مورد، فقها میان «اشتباه در ذات» و «اشتباه در وصف ذاتی» تفاوت قائل شده‌اند. اشتباه در ذات، مانند آنکه کسی به گمان اینکه چیزی طلا است، اقدام به خریداری آن نماید درحالی که در حقیقت، جنس آن، برنج است. چنین معامله‌ای به نظر فقها موجب بطلان عقد است؛ زیرا موضوع معامله منتفی می‌شود. ذات شیء به معنای حقیقت و ماهیت آن است، مانند طلا بودن در برابر برنج بودن. اگر شخصی گمان کند، موضوع معامله طلا است اما در حقیقت، برنج باشد، در اینجا ذات موضوع به کلی متفاوت است و چنین اشتباهی را «اشتباه در ذات» می‌نامند (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۲). برخی فقها بر این باورند که اشتباه در ذات موضوع عقد، آن را باطل می‌کند، نه اینکه صرفاً آن را قابل فسخ سازد (خمینی، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۲۰).

برخی نویسندگان حقوق مدنی نیز اشتباه در خود موضوع را اشتباه در جنس مادی تفسیر نموده و آن را موجب بطلان عقد دانستند (شهیدی، ۱۳۸۹: ۴۲). دلیل آن روشن است: در این حالت، آنچه مورد قصد واقع شده است با آنچه موجود است، تفاوت اساسی دارد. بنابراین، رکن موضوع عقد منتفی می‌شود. در حقوق موضوعه ایران که ریشه در فقه امامیه دارد، اعتبار هر عقدی، تابع قصد و اراده طرفین می‌باشد. چنانکه ماده ۱۹۰ قانون مدنی، قصد را از ارکان اساسی عقد برشمرده است. از این رو، اگر اشتباه به گونه‌ای باشد که نشان دهد، قصد حقیقی طرف با آنچه ابراز شده است، متفاوت می‌باشد، عقد از اعتبار ساقط می‌شود. علاوه بر این، ماده ۱۹۹، اشتباه در شخص طرف قرارداد را در عقود مبتنی بر شخصیت، موجب بطلان دانسته است.

با این حال، قانون مدنی در خصوص اشتباه در موضوع عقد، صراحتاً حکمی ندارد. ماده ۲۰۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد» و عمدتاً بر جنس و مقدار تأکید دارد و اوصاف بنیادینی که به ذات موضوع بازمی‌گردد را به خوبی پوشش نمی‌دهد. طبق ماده ۳۶۱ قانون مدنی: «اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته، بیع باطل است». این ماده، هرچند به طور خاص در باب بیع آمده است، به عنوان قاعده‌ای عمومی در مورد عقود معین قابل تسری است. با این حال، ماده بالا به صراحت حکم به بطلان عقد در مواردی که موضوع معامله وجود خارجی نداشته است، می‌دهد. به لحاظ عملی، هرگاه عقدی به دلیل اشتباه در

اشتباه باید به قدری اساسی باشد که «ماهیت موضوع» عقد را از آنچه طرفین می‌پنداشتند به کلی متفاوت سازد. به عبارت دیگر، اشتباه در انگیزه یا انگیزه‌های منعقد کردن قرارداد کافی نیست. مجلس اعیان، سرانجام، قرارداد را معتبر دانست و اشتباه شرکت لور را غیراساسی تلقی کرد (Chitty, 2021: 840-8).

پرونده «کوتوریه علیه هستی» را می‌توان مثال بارز اشتباه اساسی دانست که در آن، محموله ذرت که موضوع خرید و فروش بود، بدون اطلاع طرفین پیش از حمل و نقل فاسد شده بود و مجلس اعیان حکم داد که از آنجاکه موضوع عقد، اساساً وجود نداشته است، قرارداد باطل می‌باشد. در اشتباه مشترک، هر دو طرف در مورد واقعیتی اساسی خطا می‌کنند. در این حالت، اگر موضوع معامله در زمان انعقاد عقد وجود نداشته یا ماهیت آن با آنچه طرفین تصور می‌کرده‌اند، تفاوت اساسی داشته باشد، عقد باطل است. معیار «اساسی بودن» در حقوق انگلیس بسیار سخت‌گیرانه است و ثابت کردن آن برای خواهان بسیار دشوار می‌باشد. مطابق قاعده مشهور دعوای بل علیه لور برای بطلان عقد به سبب اشتباه مشترک در موضوع، خطا باید به گونه‌ای اساسی باشد که موضوع مورد توافق طرفین به کلی با چیزی که طرفین تصور می‌کردند، متفاوت باشد.

۳- اشتباه در خود موضوع عقد در حقوق ایران

در حقوق ایران که متأثر از فقه امامیه است، اصل بر نفوذ و صحت عقود می‌باشد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. در مواردی که اشتباه در موضوع عقد، به حد جهل به ماهیت برسد، می‌تواند موجب بطلان عقد باشد. با این حال، قانون مدنی ایران به صراحت و در ماده‌ای مستقل به این نهاد نپرداخته و رویه قضایی نیز در این زمینه یکدست نیست (امامی، ۱۳۷۳: ۱/ ۱۹۹). به عنوان نمونه، برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند که اشتباه در ذات موضوع، مانند خرید نقره به جای طلا، مطلقاً موجب بطلان است، درحالی که برخی دیگر قائل به تفصیل شده‌اند. این ابهامات، ضرورت بررسی عمیق‌تر این نهاد در حقوق داخلی را آشکار می‌سازد. در نظام حقوقی ایران، بررسی اثر اشتباه در موضوع عقد، مستلزم تفکیک میان «اشتباه در ذات» و «اشتباه در وصف ذاتی» می‌باشد.

ذات موضوع باطل اعلام شود، هیچ اثری بر آن مترتب نخواهد بود و هر یک از طرفین باید عین مال دریافتی را مسترد دارند. در این مورد، برای بطلان عقد، نیازی به انشاء یا ابراز اراده نیست و دادگاه در صورت احراز وقوع اشتباه در ذات موضوع، بطلان خودکار عقد را اعلام می‌کند.

۳-۲- اشتباه در وصف ذاتی

اشتباه در وصف ذاتی، مانند آنکه شخص گمان کند، موضوع معامله، شمش طلای خالص است درحالی که ناخالصی دارد، موضوعی اختلافی است (خمینی، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۱۲). برخی فقها قائل به عدم بطلان و صرفاً ثبوت خیار برای طرف اشتباه‌کننده می‌باشند، درحالی که مطابق دیدگاه مشهور فقهای متأخر، هرگاه وصف مزبور به حد شرط ضمنی برسد، موجب خیار فسخ می‌دانند.

حقوقدانان ایرانی نیز بر اساس مبانی فقهی، میان «اشتباه در ذات موضوع» و «اشتباه در وصف موضوع» تفاوت قائل شده‌اند. رویه قضایی ایران نیز در موارد متعددی این تفکیک را پذیرفته است. اما این رویه یکسان نیست و در برخی دادگاه‌ها، به‌ویژه در عقود تجاری که سرعت و اعتماد اهمیت دارد، تمایل بر این است که تا حد امکان به قرارداد جنبه بقا داده شود و اشتباه را فقط در صورتی که به مرتبه «جهل به ماهیت» برسد، موجب بطلان تلقی کنند (صفایی، ۱۳۹۰: ۲۰۵).

از جهت آثار عملی، اگر اشتباه در اوصاف موضوع عقد رخ دهد، خریدار می‌تواند از خیار فسخ استفاده کند. در این صورت، باز هم استرداد عوضین صورت می‌گیرد. در این حالت، فسخ، مستلزم انشاء اراده بر فسخ و ابراز آن در مهلت کوتاه عرفی است و دادگاه، صرفاً وقوع فسخ را اعلام می‌کند. در مجموع، حقوق ایران با وجود غنای فقهی، از شفافیت کافی در تفکیک دقیق مرزهای اشتباه محل رضا و اشتباه غیرمخل برخوردار نیست و این ابهام به کثرت دعاوی و آراء متعارض دامن زده است (کاتوزیان، ۱۳۶۴: ۱/ ۲۵۰؛ شهیدی، ۱۳۹۶: ۱/ ۲۱۲).

نتیجه‌گیری

هر سه نظام حقوقی فرانسه، انگلیس و ایران به‌رغم اشتراک در پذیرش اصل تأثیر اشتباه بر اعتبار عقد، در مصادیق، قلمرو و ضمانت‌اجراهای آن تفاوت‌های بنیادینی دارند. با این حال، هیچ‌یک از سه نظام حقوقی مذکور، اشتباه را به‌طور مطلق، موجب بطلان یا عدم بطلان عقد نمی‌دانند، بلکه همگی به درجات و

انواع اشتباه توجه دارند. با این حال، عمق و نوع این توجه، تفاوت اساسی دارد: حقوق فرانسه با اصلاحات سال ۲۰۱۶ عملاً از دوگانه ذات یا وصف عبور کرده و معیار «اوصاف اساسی» را جایگزین ساخته است. این معیار که مبتنی بر ارزیابی ذهنی و شخصی از تأثیر اشتباه بر قصد شخص است، اگرچه انعطاف بیشتری دارد، این خطر را نیز به همراه دارد که به تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای دامن بزند. با این حال، قانون‌گذار فرانسه با افزودن شرط «قابل اغماض نبودن اشتباه» و نیز پیش‌بینی حق مطالبه خسارت برای طرف مقابل دارای حسن‌نیت، تا حدودی از این خطر کاسته است.

در حقوق انگلیس، شاید دقیق‌ترین و در عین حال سخت‌گیرانه‌ترین معیار، «اساسی بودن» اشتباه باشد که توسط آراء قضایی توسعه یافته است. دادگاه‌های انگلیسی به‌ندرت قراردادی را به‌دلیل اشتباه باطل می‌کنند بلکه ترجیح می‌دهند با توسل به نهادهای دیگر مانند اظهارات خلاف واقع یا فسخ مطابق قواعد انصاف، به خواهان کمک کنند بدون آنکه قرارداد را از ریشه باطل سازند. این رویکرد، امنیت معاملات و حقوق اشخاص ثالث را در اولویت مطلق قرار می‌دهد. در حقوق ایران، این معیار مبتنی بر دوگانه «ذات» و «وصف» استوار است که ریشه در فقه امامیه دارد. اشتباه در ذات موضوع، موجب بطلان عقد و اشتباه در اوصاف (حتی اوصاف ذاتی) صرفاً موجب ایجاد خیار فسخ است با این حال، مرز ذات و وصف در بسیاری از موارد مبهم و وابسته به عرف متغیر است.

ملاحظات اخلاقی: پژوهش حاضر از نوع مطالعات نظری و کتابخانه‌ای است و هیچ‌گونه مداخله‌ای بر روی انسان یا حیوان نداشته است. تمامی منابع مورد استفاده با رعایت اصول امانت‌داری علمی و استناد دقیق به کار گرفته شده‌اند. نویسنده متعهد است که نتایج پژوهش را بدون هرگونه تحریف یا سوگیری ارائه نماید.

تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافی در ارتباط با پژوهش حاضر وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نویسندگان، تمامی مراحل پژوهش شامل طراحی مطالعه، گردآوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر یافته‌ها، نگارش متن اصلی و بازنگری نهایی مقاله را مشترکاً انجام داده‌اند.

- Eftekhari Jahromi, G. A (1993). *Miscellany of Law Text and Other Materials for Law Students*. Tehran: Yalda Publications.

- Macmilan, (2010). *Mistakes in Contract Law*. London: Hart Publishing.

- McKendrick, E (2022). *Contract law (Text, Cases, and Materials)*. 10th Ed., Oxford University Press.

- Padfield, C. F & Barker, D. L. A (1989). *Law Made Simple*. 7th Ed., London: Made Simple Books

- Terré, F. Simler, P & Lequette, Y (2018). *Droit Civil: Les Obligations*. 12th Ed., Dalloz.

- Treitel, G. H (2020). *The Law of Contract*. 15th Ed., Sweet & Maxwell.

- Zweigert, K & Kötz, H (2011). *An Introduction to Comparative Law*. 3rd ed., Oxford University Press.

تقدیر و تشکر: از تمامی اساتید و پژوهشگرانی که با آثار علمی خود زمینه انجام این پژوهش را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش از هیچ‌گونه حمایت مالی از سوی نهادها یا سازمان‌های دولتی و خصوصی برخوردار نبوده و تمامی هزینه‌های آن توسط نویسندگان تأمین شده است.

منابع

الف. منابع فارسی

- امامی، سید حسن (۱۳۷۳). *حقوق مدنی*. جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات اسلامیه.

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *کتاب/المکاسب*. قم: انتشارات کنگره شیخ انصاری.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). *کتاب/البیع*. جلد دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- شهیدی، مهدی (۱۳۹۶). *حقوق مدنی (تشکیل قراردادهای و تعهدات)*. جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- شهیدی، مهدی (۱۳۸۹). *حقوق مدنی ۳ (تعهدات)*. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

- صفایی، سید حسین (۱۳۴۹). «اشتباه در خود موضوع معامله در حقوق ایران و فرانسه». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۸۷-۱۰۸: (۳).

- صفایی، سید حسین (۱۳۹۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (اشخاص و محجورین)*. تهران: انتشارات سمت.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادهای)*. جلد اول، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب. منابع انگلیسی

- Cartwright, J (2018). *Mistake in Contract Law*. 2nd Ed., Oxford University Press.

- Chitty, J (2021). *Chitty on Contracts*. 34th ed, Vol. 1, Sweet & Maxwell.